اجماع عملی شیعه بر جواز همه قرائات دلیلی بر بطلان ادعای فیض

حرفی که مرحوم آقای حکیم فرمودند نکته‌ای بود. من که آن را خواندم به این خاطر بود که حرف آقای حکیم قیمت داشت. آقای حکیم فرمودند ولو حضرت فرمودند «نحن نقرأ علی قرائة ابی»، اما اگر این عبارتی بود که بین شیعه بازتاب داشت، لما به الخفاء. شیعه این حرف را می‌گرفتند و از روز اول بر قرائت ابی مواظبت می‌کردند. نه اینکه اجماع عملی شیعه در تمام اعصار بر جواز ای قرائة شئتم باشد. این نکته ی مهمی بود که آقای حکیم فرمودند. پس اینطور نیست که شیعه هم را کرده باشند و امام هم فرموده باشند «نحن نقرأ علی قرائة ابی» و شیعه چه کار دارد که امام چه فرموده‌اند!! آن هم از امام صادق علیه‌السلام در آن مجلس که روایت تندی است و نقل آن برای شیعه جالب بوده است. آن هم علیه ابن مسعود. اصلاً محتوای شیعه محتوای است که برای شیعه جذاب است. امام بگویند «ضال» و او هم تعجب کند که او «ضال» است! حدیثی با این محتوای جذاب در کافی بیاید و درعین‌حال شیعه اصلاً اعتناء نکند؟! یک جا نگویند برای ما جایز نیست. کما اینکه آن منبری بالای منبر گفته بودند برویم منزلتان خط بزنید. به‌صورت رسمی می‌گویی چون مبنایش این است. می‌گویی نخوانید «سلام علی ال یاسین»، سخن خدا که این نیست. قرائت اهل البیت این است «سلام علی آل یاسین». چرا این را می‌گویی؟ به‌خاطر اینکه این حدیث را به این صورت معنا کرده است. اما فضای ذهن شیعه در آن زمان اصلاً این نبود. می‌گفت می‌خوانیم «سلامٌ علی الیاسین» که قرائت متواتر است. «سلامٌ علی آل یاسین» را هم می‌خوانیم که قرائت متواتر است. لذا روایتش را که در مجلس عام مامون خواندیم. امام رضا سلام الله علیها چه خواندند؟ خواندند «سلام علی آل یاسین» و هیچ کسی هم اعتراض نکرد. حتی یک نفر نگفت ما «ال یاسین» می‌خوانیم. چون همه این‌ها قرائات متواتر بود. اصلاً در قرائت متواتره مشکلی نداشتند.

الآن که ما «سلامٌ علی ال یاسین» می‌خوانیم قرائت چه کسی است؟ قرائت حفص از عاصم است. شعبه هم از عاصم است. لذا می‌گوییم قرائت عاصم. قرائت عاصم است یعنی هر دو راوی یک چیز را قرائت کرده‌اند. عاصم از چه کسی نقل می‌کند؟ ابوعبد الرحمان سلمی که برای عاصم «الیاسین» خوانده است. ابو عبد الرحمان سلمی از چه کسی نقل می‌کند؟ از امیرالمؤمنین سلام الله علیه. مگر نزد همه ما این سند معروف نیست. پس ابو عبد الرحمان سلمی می‌گوید امیرالمؤمنین نزد من «الیاسین» خواندند. ابوعبد الرحمان هم برای عاصم می‌گوید «الیاسین»، عاصم هم به حفص و شعبه «الیاسین» گفته و ما هم «الیاسین» می‌خوانیم. در همان زمان نافع همین‌جا را «آل یاسین» می‌خواند.

غرب آفریقا الآن به این صورت می‌خوانند. فایل های آن‌ها الآن در اینترنت موجود است. تمام قراء در گوش بچه‌های الجزائر و تونس و مغرب چه چیزی خوانده اند؟ «سلام علی آل یاسین». چرا؟ چون قرائت آن‌ها نافع است. آن‌ها مصحف ورش دارند که قرائت نافع است، از بچگی به گوشش خورده «سلام علی آل یاسین». خب کسی که از این‌ها مطلع باشد که فضا اینطور بوده، بعد می‌گوید حضرت فرمودند

«نحن نقرأ علی قرائة ابی»، چرا شیعه مواظبت نکردند؟! چون وجه فرمایش حضرت معلوم بود. «نحن» یعنی «نحن اهل المدینه». قرائت ما اهل مدینه بر قرائت نافع است. کوفه بر قرائت کیست؟ عاصم است. البته خود نافع متأخر از امام صادق علیه‌السلام وفات کرده. به نظرم ۱۶۹ است. شهادت امام صادق علیه‌السلام ۱۴۸ است. یعنی شاید حدود بیست سال بعد از امام علیه‌السلام نافع وفات کرده است. پس «نحن» یعنی اهل مدینه. نافع در آن زمان هنوز معروف نبود. بعدها شد نافع. منظور من از معروف، این معنا است که امام منحصر باشد. و الا همان زمان هم خیلی معروف بود.

شاگرد: قرائت ابن مسعود در سلسله هست؟

استاد: قرائت ابوبکر شبعة بن عیاش از ابن مسعود است. سندی است که نقل می‌کنند. اما اینکه مختار عاصم چه بوده بحث‌های ظریف خودش را دارد. فعلاً می‌خواهم مطالبی که متداول است را اشتباه نگویم که اگر در ذهن شما نداند خدایی نکرده مطلبی نباشد که از مباحثه ما در ذهنتان بماند. اینکه فردایش هم دوباره تکرار می‌کنم برای این است که اگر یک جایی اشتباه شد از مباحثه ما در ذهنتان نماند. مطالبی که آن‌ها می‌گویند را ببینیم بعد نقد و بررسی و اشکال و ایراد فضای وسیع خودش را دارد.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2024 15:15:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 09:43:08 توسط ... .